

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قدرت نرم در سیاست خارجی

با تأکید بر فضای جهانی اطلاعات

با مقدمه دکتر اصغر افتخاری

نویسنده: آن چونگ

مترجم: مهدی ذوق‌القاری

فهرست مطالب

| | |
|----------|---|
| ۹..... | سخن ناشر..... |
| ۱۱..... | لیست علامت‌های اختصاری..... |
| ۱۵..... | مقدمه: تغییر فضای جهانی و بازنگری در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ادکتر /صغر افتخاری..... |
| ۳۳..... | پیشگفتار مترجم..... |
| ۴۱..... | پیشگفتار مؤلف: سیاست خارجی دولت- ملت در میان جهانی شدن..... |
| ۵۳..... | فصل ۱. به سوی تغییر محظ برای سیاست خارجی: دولت- ملت، جهانی سازی، اطلاعات به عنوان قدرت سیاسی..... |
| ۵۴..... | چرا جهانی شدن در سیاست خارجی اهمیت دارد..... |
| ۵۹..... | نظریه ساختارگرایی، سازه انگاری و جهانی سازی |
| ۶۳..... | اطلاعات به منزله قدرت سیاسی |
| ۷۴..... | مدرنیته و پست مدرنیته قدرت اطلاعات |
| ۸۳..... | فصل ۲. فناوری اطلاعات جهانی، جامعه اسلامی و قدرت نرم |
| ۸۴..... | فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان وسایط اتصال در فضای رسانه‌های جهانی |
| ۹۸..... | فعالیت‌های اقتصادی در قالب کاپیتالیسم و پیدایش فضای اقتصادی جهانی |
| ۱۰۷..... | سیالیت ژئو پولیتیکی پس از جنگ سرد و تسریع فضای سیاسی جهانی |

۶ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

| | |
|--|------------|
| فضای اطلاعات جهانی به عنوان فضای عمومی: افکار عمومی جهانیان و یک «وضعیت طبیعی»..... | ۱۱۶ |
| دولت - ملت‌ها در متن «وضعیت طبیعی» اطلاعاتی؛ نظم، جامعه‌ی توسعه‌ای و هویت اخلاقی..... | ۱۳۰ |
| قدرت نرم به عنوان تبلیغات دراز مدت پیرامون گفتمان جامعه..... | ۱۴۵ |
| بقا در فضای اطلاعات جهانی..... | ۱۵۴ |
| فصل ۳. قدرت نرم در سیاست خارجی..... | ۱۵۷ |
| رهبری در سیاست خارجی..... | ۱۵۹ |
| رهبری از داخل به خارج..... | ۱۶۱ |
| رهبری خارج به داخل..... | ۱۷۲ |
| نمای خارجی رهبری قدرت نرم..... | ۱۷۹ |
| سیاست‌های بینادرونی در سیاست خارجی..... | ۱۸۰ |
| بازیگران متعدد، دروندادهای متعدد: همبستگی بینادرونی نیروها..... | ۱۸۵ |
| رقابت و شفافیت ایده‌ها : جامعه پذیری بینادرونی..... | ۲۰۲ |
| نمای بیرونی سیاست‌های بینادرونی سیاست خارجی | ۲۰۶ |
| فصل ۴. رهبری داخل به خارج و خارج به داخل «سیاست خارجی: سیاست خارجی سنگاپور و منظمه ارزش‌های آسیایی..... | ۲۰۹ |
| سنگاپور و عصر جهانی اطلاعات..... | ۲۱۴ |
| معرفی مباحثه ارزش‌های آسیایی | ۲۳۸ |
| استراتژی رهبری داخل به خارج در سنگاپور | ۲۴۹ |
| سنگاپور و کفرانس جهانی حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ در وین ... | ۲۶۷ |
| ماجرای شلاق خوردن مایکل فی - سال ۱۹۹۴ | ۲۷۵ |
| بحران مالی ۱۹۹۷-۱۹۹۹ آسیا | ۲۸۸ |
| استراتژی‌های رهبری خارج به داخل (LOI) سنگاپور..... | ۳۰۵ |
| سنگاپور به عنوان واضح هنگارهای چند جانبه در دهه ۹۰ | ۳۰۷ |
| کمک خارجی سنگاپور و اعمال رهبری از طریق انتقال ایده‌ها در دهه ۹۰..... | ۳۱۹ |

| | |
|------------------------|--|
| ۳۲۴..... | کمک غیر رسمی کل گرا..... |
| ۳۳۳..... | کمک رسمی جز گرا..... |
| ۳۴۱..... | نتیجه گیری: رهبری داخل به خارج به عنوان نوع کارآمدتر رهبری..... |
| ۳۴۷.....۱۹۹۸-۲۰۰۰..... | فصل ۵. سیاست‌های بینادروندی در سیاست خارجی: سیاست خارجی شیلی و جنجال استرداد پیش از اتفاق |
| ۳۵۵..... | شیلی، عصر جهانی اطلاعات و نفوذ بینادروندی..... |
| ۳۸۴.....۱۹۷۳-۲۰۰۰..... | بررسی بسترها جنجال استرداد پیش از لندن به عنوان موضوعی مطرح در عرصه جهانی سیاست خارجی در فاصله سالهای |
| ۴۱۵..... | ترتیب زمانی وقوع رویداد جنجال استرداد: رقابت جویی سیاست خارجی شیلی با بازیگران غیردولتی در ۴ مرحله..... |
| ۴۲۷..... | همبستگی بینادروندی نیروها: سیاست خارجی شیلی با ابتکار عمل بخش غیردولتی در فاصله مراحل ۱ تا ۴ مواجه شد..... |
| ۴۵۳..... | رقابت افکار و نتیجه آن: به کار گیری جامعه پژوهی بینادروندی از سوی بازیگران غیردولتی..... |
| ۴۶۲..... | نتیجه گیری..... |
| ۴۶۷..... | فصل ۶. نتیجه گیری: سیاست خارجی بر بنای قدرت نرم - خلق قدرت نرم و خلق انواع دیگر قدرت از آن..... |
| ۴۷۸..... | به فعل درآوردن قدرت نرم، به هم پیوستن شاغلان حوزه سیاست خارجی و اعضای جامعه دانشگاهی..... |
| ۴۸۳..... | یادداشت‌ها..... |
| ۴۹۹..... | کتابتامه..... |
| ۵۰۳..... | نمایه‌ها..... |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا أُحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

مطالعه نظریه قدرت نرم، اگر چه از حیث فلسفی و شناختی امری ضروری و جذاب می‌نماید؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که «قدرت نرم» صرفاً یک نظریه تحلیلی برای شناخت نیست، بلکه دارای ارزش عملیاتی می‌باشد. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با عنایت به ضرورت پژوهش همه جانبه در این زمینه، از سال ۱۳۸۷ طرح مطالعاتی قدرت نرم را که شامل بخش‌های مهمی چون شناخت قدرت نرم، نقد و ارزیابی نظریه‌های غربی، و تولید نظریه اسلامی و ایرانی قدرت نرم می‌شود؛ تعریف و اجرا نمود.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام ایدوار است نتایج حاصل آمده از این پژوهه که به بیش از ۳۰ عنوان اثر بالغ می‌شود، مورد توجه علاقمندان قرار گرفته و از این طریق گفتمان تازه‌ای در مطالعات قدرت نرم در ایران شکل بگیرد.

۱۰ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

ناشر ضمن استقبال از نظرات اصلاحی و تکمیلی، آمادگی خود را برای دریافت و نشر سایر متون مرتبط - بویژه با تأکید بر رویکردهای اسلامی - ایرانی و توجه به مسایل خاورمیانه و ایران اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

لیست علامتهای اختصاری

| | | |
|---------|--|---|
| AFDD | Association of The Relatives of The Detained and Disappeared | نهاد وابستگان دستگیرشدگان و ناپدیدشدگان |
| AFP | Agence France presse | آژانس خبری فرانسه |
| AI | Amnesty International | عفو بین الملل |
| AM | Amplitude Modulation | تغیق دامنه‌ای |
| AP | Associated Press | اسو شیتد پرس |
| APEC | Asia Pacific Economic Cooperation | مجمع همکاری‌های اقتصادی آسیا - پاسیفیک |
| ARF | ASEAN Regional Forum | форوم منطقه‌ای آسه آن |
| ASEAN | Association of Southeast Asian Nations | اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا |
| ASEM | Asia-Europe Meeting | انجمن اسیایی اروپایی |
| CED | Center for Development Studies | مرکز مطالعات توسعه |
| CIA | Central Intelligence Agency | آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) |
| CIEPLAN | Corporation for Latin American Economic Research | موسسه تحقیقات اقتصادی امریکای لاتین |

۱۲ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

| | | |
|------------|--|--------------------------------------|
| EC | European Community | جامعه اروپا |
| EU | European Union | اتحادیه اروپا |
| EXIM(Bank) | Export-Import Bank | بانک صادرات واردات |
| FLACSO | Latin American Faculty of Social Sciences | دانشکده علوم اجتماعی آمریکای لاتین |
| FM | Ferequency Modulation | اف ام |
| G-8 | Group of Eight Industrial Countries | گروه کشورهای صنعتی جی ۸ |
| GATT | General Agreement on Tariffs and Trade | توافقنامه تعرفه و تجارت |
| GDP | Gross Domestic Product | تولید ناخالص داخلی |
| GPS | Global Positioning System | سیستم موقعیت یاب جهانی |
| IACHR | Interamericano Commission On Human Rights | کمیسیون بین امریکایی حقوق بشر |
| ICC | International Criminal Court | دادگاه بین المللی جرم و جنایت |
| ICF | Intermestic Correlation of Forces | همبستگی بینادرونی نیروها |
| ICT | Information and Communication Technologies | فناوری اطلاعات و ارتباطات |
| IDRC | Canadian International Development Research Center | مرکز تحقیقاتی توسعه بین الملل کانادا |
| IHT | International Herald Tribune | مجله ایترنشنال هرالد تریبون |
| IMF | International Monetary Fund | صندوق بین المللی پول |
| IR | International Relations | روابط بین الملل |
| IS | International Socialization | جامعه پذیری بینادرونی |
| IT | Information Technology | فناوری اطلاعات |
| ITT | International Telephone and Telegraph Company | کمپانی بین المللی تلگراف و تلفن |
| LIO | Leadership Inside-Out | رهبری داخل به خارج |
| LOI | Leadership Outside-In | رهبری خارج به داخل |

لیست علامت‌های اختصاری □ ۱۳

| | | |
|-------|--|--|
| MNC | Multinational Corporation | شرکت‌های چند ملیتی |
| MORI | Media Opinion Research Institute | موسسه تحقیقاتی افکار رسانه‌ای |
| MP | Member of Parliament | اعضای پارلمان |
| MW | Medium Wave | موج متوسط |
| NAFTA | North American Free Trade Agreement | توافقنامه‌ی آزاد تجارتی آمریکای شمالی |
| NATO | North Atlantic Treaty Organization | پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) |
| NGO | Nongovernmental Organizations | سازمان‌های غیردولتی (سمن) |
| NIC | Newly Industrializing Country | کشورهای تازه صنعتی شده |
| NIEO | New International Economic Order | نظم نوین اقتصاد بین الملل |
| NWICO | New World Information and Communication Order | نظم ارتباطاتی و اطلاعاتی جهان جدید |
| OECD | Organisation for Economic Co-operation and Development | سازمان همکاری و توسعه اقتصادی |
| PAP | People's Action Party | حزب عمل مردم |
| SCP | Singapore Cooperation Programme | برنامه همکاری سنگاپور |
| SEZ | Special Economic Zones | منطقه ویژه اقتصادی |
| SMD | Singapore Model of Development | مدل توسعه سنگاپور |
| SPH | Singapore Press Holdings Group | گروه هولدینگ پرس سنگاپور |
| ST | The Straits Times(Singapore) | روزنامه استریت تایمز سنگاپور |
| SW | Short Wave | موج کوتاه |
| TAC | Treaty of Amity and Cooperation | معاهده مودت و همکاری |
| TCTP | Third Country Training Programme | برنامه آموزشی کشورهای جهان سوم |

۱۴ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

| | | |
|--------|--|--------------------------------------|
| UN | United Nations | سازمان ملل متحد |
| UNDP | United Nations Development Programme | برنامه توسعه‌ای ملل متحد |
| UNESCO | United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization | سازمان فرهنگی، علمی و صنعتی ملل متحد |
| UPI | United Press International | يونایتد پرس ایترنشنال |
| VSIP | Vietnam-Singapore Industrial Park | پارک صنعتی سنگاپور و ویتنام |
| WSHE | Wall Street Journal(Europe) | وال استریت ژورنال |
| WTO | World Trade Organization | سازمان تجارت جهانی |

مقدمه

تغییر فضای جهانی و بازنگری در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

دکتر اصغر افتخاری*

کلیات

«پسراکم! هرچند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌ام، نزیسته‌ام؛ اما در کارهاشان نگریسته‌ام و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام، بلکه با آگاهی که از کارهاشان به دست آورده‌ام، گویی چنان است که با نخستین تا پیشینیان به سر برده‌ام» (امام علی^{علیه السلام}، ۱۳۷۱، نامه ۳۱: ۲۹۸-۲۹۷)

این پرسش که فلسفه فraigیری علم چیست و ارزش «علم» را در چه مولفه‌هایی و با چه شاخصه‌هایی می‌توان سنجید؟؛ از سوال‌های مهمی است که در حوزه‌های مختلف علمی پاسخ‌های متفاوتی یافته است (مطهری ۱۳۶۷؛ جمعی از نویسنده‌گان ۱۳۵۹). اما در این میان شاید کمتر مولفه‌ای را بتوان سراغ گرفت که چون «سودمندی» توانسته باشد نظر تحلیل‌گران

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق^{علیه السلام}

- <http://www.Eftekhary.ir>
- Eftekhari_asg@yahoo.com

گوناگون را به خود جلب نموده باشد. موضوعی که در گفتمان اسلامی با عنوان «علم مفید» به آن اشاره رفته و ساز و کار آن را حضرت علی علیہ السلام تامل انتقادی در احوال دیگران دانسته است. بنابراین مشخص می‌شود که علم - حداقل - نزد تمامی مکاتب، یک کارکرد مشترک و مورد اتفاق را دارا می‌باشد که «سودمند بودن آن» برای حیات انسان (البته اعم از حیات مادی و معنوی او) است (امام علی علیہ السلام؛ نامه ۳۱). از این منظر تمامی رشته‌های علمی و دانشگاهی لازم است تا پیوسته رصد شده و مناسب با میزان سودمندی‌شان تایید یا اصلاح گرددن. برای این منظور لازم می‌آید تا الگویی جامع و مبنا در اختیار داشه باشیم تا این سنجش به کمک آن الگو، صورت گرفته و حوزه‌های اصلاح رشته علمی آشکار گردد. اثر حاضر از چنین منظری به موضوع نگریسته و نگارنده با عطف توجه به تغییرات حاصل آمده از ناحیه شکل‌گیری فضای جهانی اطلاعات سعی دارد تا ضرورت‌های بازاندیشی در علم روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را تبیین نماید. با عنایت به اهمیت محوری و جایگاه راهبردی «فضای مجازی» چنین به نظر می‌رسد که دعاوی نویسنده قرین صحت است. با اینحال نمی‌توان این نکته را نادیده انگاشت که محورها، مولفه‌ها و شاخص‌های این تغییر و تحول ضرورتاً مطابق با پیشنهادات ارایه شده از سوی نویسنده نخواهد بود. به عبارت دیگر چنین به نظر می‌رسد که دامنه و عمق تحولات بسیار بیشتر از آن چیزی است که نویسنده گمان زده است. در این مقدمه، محقق صرفاً چارچوبی کلان را عرضه می‌دارد که می‌تواند بدیلی برای نظریه ارایه شده از سوی مولف کتاب حاضر باشد.

۱. چارچوب بازنگری

رشته‌های علمی درجهان معاصر از ناحیه سه بُعد، هویت خود را شکل می‌دهند. لذا می‌توان چنین ادعا نمود که اعمال هرگونه بازنگری و ارتقاء در آنها، نیازمند - حداقل - توجه به مولفه‌های سه‌گانه زیر می‌باشد. شایان ذکر است که نگارنده بدلیل پرداختن به «سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»، عناوین، توضیحات و مثال‌ها را متناسب با این رشته آورده است. طبیعی است که این الگو استعداد باز تولید برای سایر رشته‌های علمی را متناسب با فضای جهانی موجود، دارد.

۱-۱. نیاز اجرایی

«سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» از جمله رشته‌هایی است که بدون تعریف نقش برای آن در حوزه «سازمان قدرت» نمی‌توان به رشد و ارتقاء آن امیدوار بود. توضیح آن که، رشته‌های دانشگاهی را به دو گروه اصلی می‌توان تقسیم نمود:

اول: رشته‌های نظر - دانشی

دوم: رشته‌های کار - دانشی

در حالی که رشته‌های نخست به تقویت ذهن برای اصلاح و تقویت مبادی معرفت مشغولند (مانند فلسفه علم که در اصول و مبانی متعارف به نقد و اصلاح مشغول است؛ یا الهیات که به هستی‌شناسی و اصلاح جهت‌گیری‌های هنجاری می‌پردازد و ...)، گونه دوم دانش‌ها، به طور مستقیم معطوف به بازار «کار» تعریف می‌شوند. برای این رشته‌ها، لازم است نوعی نیاز کارفرمایی پذید آید تا ارزش سرمایه‌گذاری در آنها برجسته شود. مانند

۱۸ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

رشته‌های مهندسی که در ارتباط مستقیم با مراکز تولیدی، تعریف و رشد می‌یابند.

«سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» از این حیث در دسته دوم رشته‌ها قرار دارد و ارتقای آن در جامعه ایران منوط به رفع نقیصه مهم «جدا انگاری سازمان قدرت از سازمان دانش» است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که دانش سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به نحو مناسبی در دانشگاه تولید و عرضه نمی‌شود، مگر این که دستگاه‌های حوزه سیاست خارجی با دانشگاه در این زمینه همکاری داشته باشند. این همکاری در نهایت ارتقای دانش سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و افزایش بهره‌مندی دستگاه‌های متولی تنظیم مناسبات بین‌المللی را در پی خواهد داشت که به نفع هر دو حوزه است (نک. مصفا ۱۳۸۵؛ جزئی ۱۳۸۶: ۲۱/۳۰).

۱-۲. وجود گفتمان بومی

با عنایت به سلطه بلا منازع دانش سکولار روابط بین‌الملل که از حوزه آمریکایی و اروپایی تولید و عرضه شده و توانسته مجامع علمی مختلف را تحت تاثیر خود قرار دهد (سیمیر و قربانی ۱۳۸۹: ۸۵-۳۲؛ بازنگری و ارتقاء در این رشته بدون اقدام به تولید متون بومی اصولاً غیر ممکن به نظر می‌رسد. معنای این سخن ضرورت سرمایه‌گذاری پژوهشی در حوزه روابط بین‌الملل ایرانی است تا این اصطلاح (یعنی: سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ایرانی) بتواند هویت مستقل و متمایز بیابد. باید توجه داشت که از ره‌گذر فraigیری تقلیدی متون موجود سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، نمی‌توان به تربیت نیروهای کارشناسی نایل آمده که بتواند نیاز حوزه اجرایی را برآورده سازد. بعبارت دیگر اگر چه در بند اول، حوزه اجرایی به اصلاح

گرایشش فراخوانده شد تا حوزه دانشگاهی را ارج نمهد؛ اما این مهم به صورت یک سویه محقق نمی‌شود. بدین معنا که حوزه دانشگاهی نیز موظف است تولیداتی بومی (و نه اندیشه‌هایی مونتاژی) را عرضه بدارد تا با نیاز اجتماعی متناسب بوده و از مزیت نسبی برخوردار باشد (مصطفاً: ۱۳۸۵: ۲۲۸). آنچه در این بند در خور توجه می‌نماید، آن است که «سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ایرانی» باید از زوایای مختلف مورد توجه قرار گیرد و در سطوح مختلف تخصصی برای آن متن مناسب تولید شود. در این صورت است که می‌توان ادعا نمود، پرورش نیروهای انسانی جدید به صورت هدفمند در چارچوب گفتمان ایرانی روابط بین‌الملل در حال انجام می‌باشد.

۱-۳. تربیت بومی - جهانی

اگر چه مقتضای شکل‌گیری «جامعه شبکه‌ای» در عصر حاضر آن است که «دانش‌ها» ماهیتی تعاملی (با دیگر ملل) بیابند (کاستلر: ۱۳۸۰: ۴۶۲)؛ اما این ویژگی در «رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» امتیاز و ضرورتی دو چندان دارد. بعارت دیگر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، در شرایط انزوا نمی‌تواند رشد و ارتقاء بیابد. بنابراین بازنگری در «رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» باید به گونه‌ای صورت پذیرد که دانشجویان از همان ابتداء - ضمن فraigیری اصول و مبادی بومی - بتوانند در شبکه بین‌المللی حاضر بوده و حتی نظریه‌های بومی خود را با زبانی فرا ملی عرضه بدارند. اقتضای این بازنگری اصلاح سبک و شیوه آموزش در این رشته، اصلاح موضوعات و تنظیم رویکردها است که تماماً توجه به «زبان بین‌المللی» را برجسته می‌سازد.

۲۰ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

شایان ذکر است که منظور از «زبان» در اینجا «صرف ابزار تکلم» نیست؛ بلکه افزون بر آن تسلط بر مجموعه‌ای از آموزه‌ها، الگوهای اصول رفتاری است که به فرد اجازه آن را می‌دهد تا معانی مورد نظر خود را برای یک گروه مخاطب خاص، تولید و عرضه نمایند. در این محور، دانشجوی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ایرانی باید بتواند یک پرسش‌گر هدفمند، و در نهایت یک صاحب نظر موثر در روابط بین‌الملل باشد. فردی که مسایل جهانی را خوب شناخته و بر اساس مبادی اسلامی و فرهنگ ایرانی، برای آنها راه کار و یا نظریه فرآگیر جهانی عرضه می‌دارد (نک. سمتی: ۱۳۸۸-۴۶۹).^{۱۲}

۲. مبادی

عملیاتی نمودن محورهای چهارگانه مذکو نیازمند اتکاء بر بنیادهای معرفتی‌ای است که از قوت لازم برای حمایت و هدایت دانشجوی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل برخوردار باشند. از این منظر - و حسب اولویت - می‌توان چند منبع معتبر برای این راهبرد جدید را به شرح زیر برشمود:

۲-۱. مکتب اسلام

«اسلام» به عنوان مکتبی جامع که فرازمانی و فرامکانی است؛ می‌تواند اصول و قواعدی را عرضه بدارد که تنظیم صلح‌آمیز و موثر مناسبات بین‌المللی را - به عنوان هدفی مشترک نزد نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل - ممکن می‌سازد. در این خصوص باید بین چند رویکرد مختلف به حضور اسلام در روابط بین‌الملل، تفکیک نمود:

اول. اندیشه‌گرانی که با شعار «غیر ایدئولوژیک بودن سیاست خارجی و روابط بین الملل» راه را بر حضور گزاره‌های اسلامی در نظریه و عمل روابط بین الملل سد می‌نمایند؛ اما در همان زمان «ایدئولوژی لیبرالیستی» را گرامی داشته و در ذیل عنوان کلان «سکولاریسم»، ارزش‌ها و هنجارهای لیبرالیستی را عملاً گردن می‌نهند (نک. مک دانلد و دیگران ۱۳۸۹). از این منظر عدم تمکین دیگر بازیگران به قواعد لیبرالیستی در نهایت می‌تواند به کاربرد زور برای حاکمیت لیبرال دموکراتی ختم شود.

دوم. اندیشه‌گرانی که با شعار «غیر معتبر بودن تمامی مکاتب موجود و غیر دینی بودن آنها»، به یکباره همه تجربه انسانی را موضوع «شرک» تلقی نموده و به صورت متصلبانه‌ای فقط «ظاهر نصوص دینی» را مرجع قرار می‌دهند. از منظر اینها، همه – ولو غیر مسلمان – موظفند همان تکالیف متشرعان را به انجام رسانند و اگر تمکین ننمایند با زور باید آنها را به این سیاست ملتزم ساخت (نک. سید احمد و الشبوکی ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۳۵). چنان که ملاحظه می‌شود گرایش‌های افراطی‌ای چون وهابیت در عمل همان چیزی را برای آینده نظام بین الملل تجویز می‌نماید که افراطی‌هایی چون فوکویاما و هانتینگتون در اردوگاه لیبرال دموکراتی به آن رسیده‌اند.

سوم. راه بروون رفت که با منطق شیعی سازگاری بیشتری دارد؛ توجه به «زیان فرا ایدئولوژیک اسلام» است. معنای این سخن آن است که: اسلام در دو سطح با مخاطبان خود گفتگو می‌نماید (افتخاری ۱۳۸۹ - الف):

سطح ۱. زبان مومنان

موضوع این زبان، آنانی هستند که به اسلام وارد شده‌اند و ایمان الهی پیشه نموده‌اند. این افراد هر چقدر در این طریق راه کمال طی نمایند، میزان بیشتری از معارف و علوم را فرا می‌گیرند. ابتدای این طریق «اسلام» است و

۲۲ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

انتهايي جهت کمال برایش متصور نیست و متناسب با شرایط هر عصر و دوره‌ای، ارتقایي دارد. این زبان در سطح جهان اسلام می‌تواند کاربرد زیادی داشته باشد که به تشکیل «امت اسلامی» منتهی می‌شود.

سطح ۲. زبان خلق

موضوع این زبان، «انسان» است؛ از آنجا که مخلوق الهی است. به همین خاطر است که قرآن مجید می‌تواند برای همگان - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - محل تامل و کشف معارف باشد. این زبان، اصول و قواعدی را عرضه می‌دارد که هر عقل سلیمانی آنها را ارزشمند و کارساز می‌یابد. گزاره‌هایی مبنی بر نفی تعدی، اصل مقابله به مثل، اصل خویشتنداری، اصل رعایت عزت و کرامت انسانی و ... که عموماً به صورت «ان الله لا يحب ...» آمده‌اند، موضوع این بخش هستند.

چنان که ملاحظه می‌شود اسلام می‌تواند به مثابه اولین منبع اصلی و معتبر برای حل مسائل سیاست خارجی و نظریه‌پردازی در این زمینه باشد (نک. افتخاری ۱۳۸۹ - ب). ایفای این نقش نه از طریق حاکمیت بینش افراطی وهابی و نه توجه به گرایش‌های غیر خالص از اسلام در ذیل عنوان «اسلام لیبرالی» می‌باشد؛ بلکه در صورت توجه «زبان فرا ایدئولوژیک اسلامی» محقق می‌شود. موضوع مهمی که راه برای ورود دین به این رشته بین‌المللی - در عین بین‌المللی بودن آن - باز و هموار می‌سازد.

۲-۲. فرهنگ ایرانی

ایران به مثابه یک «فرهنگ» دارای تجارب ارزنده‌ای طی تاریخ می‌باشد که می‌تواند در پردازش و طراحی نظریه‌ها و الگوهای مناسب روابط بین‌الملل به کار رود. باید توجه داشت که به دلیل ماهیت فراغیر «روابط بین‌الملل»،

غرض نگارنده در اینجا نه «رویکردنی ایرانی» بلکه «فرهنگ ایرانی» می‌باشد. «فرهنگ» به دلیل بعد هنجاری‌ای که دارد «فراگیر» بوده و می‌تواند با سایر پیروان فرهنگی ارتباط برقرار نماید؛ حال آنکه «رویکردها» مبتنی بر «تجارب» بوده و در حد یک بازیگر / یا بازیگران خاص معنا و مفهوم می‌دهند. (گوییگان ۱۳۸۸: ۴۲-۹۵). نتیجه آن که، بررسی و تحلیل فرهنگ ایرانی می‌تواند به ما اصول، گزاره‌ها و قواعدی را ارایه نماید که در بنای نظریه‌ها و الگوهای نوین روابط بین‌الملل به کار می‌آید. از این منظر نقاط عطفی چون پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس «جمهوری اسلامی» در ایران، می‌تواند بسیار ارزشمند ارزیابی گردد؛ چون اصولی چون «نه شرقی نه غربی» از درون آن برآمده که در الگوهای عادلانه از روابط بین‌الملل، بسیار مورد توجه‌اند (نک. خواجه‌سروری ۱۳۹۸).

۲-۳. روندهای جهانی

اگرچه «روندهای جهانی» را به عنوانی «عامل موثر» در سایر رشته‌های علمی می‌توان مطرح ساخت، اما در «روابط بین‌الملل» این موضوع تاثیری دو چندان یافته و به منبعی مستقل در خصوص استقرار و تحول رشته به حساب می‌آید. دلیل این امر نیز واضح است: «روندهای جهانی» در این رشته خود «موضوع اصلی» بحث هستند. بنابراین بدون توجه به آنها نمی‌توان روابط بین‌الملل را طراحی و یا فهم نمود (گیلبوآ ۱۳۸۰: ۷-۴۷). به همن خاطر است که رشته روابط بین‌الملل در هر کشوری، لازم است این روندها را رصد نماید و متناسب با آن خود را بازسازی نماید (ریوز ۱۳۸۷: ۴-۱). این اقدام به رشته مذبور امکان آن را می‌دهد تا «به روز» شده و در

نهایت بتواند نیروهایی را پرورش دهد که در حد و اندازه جامعه جهانی عصر خویش باشند.

نتیجه آن که «رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» در ایران، در بنیاد مثلثی قرار دارد که سه ضلع اصلی آن عبارتند از: مکتب اسلامی، فرهنگ ایرانی و بالاخره روندهای جهانی. این مثلث موتور محرکه اصلی تحول و ارتقاء رشته روابط بین‌الملل را شکل داده و باید به گونه‌ای فعال شود تا اصول مذکور در بند پیشین، محقق گرددند.

۳. بایسته‌ها

حال با عنایت به چارچوب نظری و مبانی کاربردی که بیان شد، می‌توان گزاره‌های راهبردی تحول و ارتقاء رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را به شرح زیر بیان نمود:

الف. بایسته‌ها در بُعد اجرایی

۱-۳. اصلاح بیش در سطح سازمان قدرت به منظور اتخاذ

رویکردی ایجابی به «رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»

بر این اساس باید ساز و کارهای حضور دانش آموختگان این رشته در عرصه سیاسی خارجی فراهم گردد.

۲-۳. اصلاح شیوه آموزش در رشته سیاست خارجی و روابط

بین‌الملل

الگوی آموزش از شیوه‌های گفتاری و انتزاعی صرف، باید به شیوه‌های تعاملی که در آن دانشجو ضمن فرآگیری دانش همزمان مهارت‌های عملیاتی نمودن آن را نیز فرا می‌گیرد؛ تغییر یابد. روش‌های تعاملی منجر می‌شود تا فارغ التحصیلان این رشته افرادی صرفاً «ذهن گرا» و نا آشنا با «واقعیت‌های

میان ملل» نباشند؛ ویژگی مهمی که موافع موجود بر سر راه پذیرش این افراد را از سوی سازمان اجرایی بطرف می‌سازد (نک. کوله ۱۳۸۸).

۳-۳. بازنگری در آیین‌نامه‌های اجرایی

اصلاح نظام قانونی در حوزه اجرایی با هدف تحدید و روایی‌های اصلی به درون دستگاه سیاست خارجی کشور باید در دستور کار قرار گیرد، تا از این طریق بنیاد هرم نیروهای انسانی بر نیروهای متخصص روابط بین‌الملل استوار شود. این اقدام اگر چه به یکباره امکان پذیر نیست؛ اما در صورت درک ضرورت و جدی پنداشتن آن، در یک دوره ۶ تا ۱۰ ساله می‌تواند، سازمان اجرایی را متحول ساخته و به افزایش کارآمدی آن متنه گردد.

۳-۴. شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی دانش بنیان در حوزه سیاست

خارجی و روابط بین‌الملل

در جوامعی که فرآیند تصمیم‌سازی تا تصمیم‌گیری در خصوص مسائل «سیاست خارجی» بسته تعریف می‌شود، معمولاً تمامی وظایف به حوزه اجرایی محول می‌شود و بر همین اساس منابع مالی و اطلاعاتی بالاجبار به کانون‌های رسمی (عموماً) اختصاص می‌یابد. وقوع چنین حالتی برای خود دستگاه‌های متولی امور بین‌الملل مضر است، چرا که:

اولاً - حجم بالای این وظایف - که هر روز متناسب با تحول جامعه بین‌المللی، افزوده هم می‌شود - مانع از آن می‌شود تا دستگاه‌های دولتی از عهده انجام مطلوب آنها برآیند و در نتیجه مشکل ناکار آمدی یا بدکاری پیش می‌آید.

ثانیاً - توسعه موضوعات سیاست خارجی به کاهش عمق تخصصی آنها منجر شده و در نتیجه تحلیل‌ها و راهبردهای ارایه شده نمی‌تواند در تامین منافع کشور موثر باشد. و بالاخره:

ثالثاً دستگاه دولتی را به شدت بزرگ می‌نماید که با «ایده دولت کوچک و چابک» در تعارض است. دلیل این امر آن است که دستگاه‌های رسمی برای این که بتوانند وظایف خود را انجام دهن، بالاجبار موسسات آموزشی، پژوهشی و ... جدید با حجم بالایی از نیروی انسانی تاسیس می‌نمایند که در مجموع تعداد نیروی انسانی دولت را زیاد می‌نماید.

راه حل اساسی آن است که دانش سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، وجه اقتصادی یافته و از این طریق چند هدف مهم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحصیل گردد. منظور از «بنگاه‌های اقتصادی دانش بنیاد در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»، موافقت با شکل‌گیری موسسات و گروه‌هایی است که فرآیند تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را با کمک دانشگاه‌ها و متخصصان، طی در قراردادهایی با دولت به انجام می‌رسانند. در این موسسه‌ها افراد متخصص گرد هم آمده و به شکل خصوصی اقدام به تجزیه و تحلیل و ارایه راه کار برای کشور جهت مدیریت مسایل مختلف سیاست خارجی می‌نمایند. مشتری عمدۀ این موسسه‌ها، دستگاه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشور بوده و هزینه‌های این پروژه‌ها را نیز متقابل می‌شود. نکته در خور توجه، مزایای این روش است که عبارتند از:

یک. هزینه‌های این روش به مراتب کمتر است؛ چرا که در قالب پروژه و به صورت هدفمند انجام می‌شود. حال آن که در روش مستمرکز، هزینه‌های پنهان (و مستمر) چون تاسیسات، حقوق و مزایای افراد و ... وجود دارد که عملاً آن را غیر اقتصادی می‌سازد.

دو. رقابت علمی شکل گرفته و در نتیجه تحلیل‌ها و نظریه‌ها به صورت تدریجی ارتقاء می‌یابد تا بتواند مزیت نسبی موسسات عامل را حفظ و تضمین نماید.

سه. دانشگاه‌ها و دانشجویان فرصت مناسب برای کار یافته و در نتیجه بخشی از هزینه‌های دولت، جهت رشد دانشگاه و ارتقای دانشجویان را نیز می‌تواند کاهش دهد.

نتیجه آن که از این طریق هزینه‌های کمتر، موثرتر و هدفمند صورت می‌گیرد و به جای آن تحلیل‌ها به روزتر، سریع‌تر و متقن‌تر عرضه می‌گردد. این همان کالایی است که دستگاه رسمی برای تصمیم‌گیری بدان نیازمند است.

ب. بایسته‌ها در بُعد «متون»

۳-۵. آشنایی با کاربرد رویکرد انتقادی

حاکمیت نگرش «تقلیدی» به نظریه‌ها و الگوهای متعارف سیاست خارجی و روابط بین‌الملل که با آموزه‌های لیبرالیستی و منابع سکولار، تهیه و عرضه شده‌اند؛ نتایج منفی بسیار دارد. در گام نخست دانش پژوهان این رشته لازم است تا با «رویکرد انتقادی» آشنا و نحوه کاربرد صحیح آن را بیاموزند. در این صورت است که از نفی تمام عیار و یا پذیرش کورکورانه نظریه‌های موجود غربی، پرهیز نموده، به سمت تعامل سازنده با این نظریه‌ها پیش خواهند رفت (نک. آرایی‌نیا و همکاران ۱۳۸۸).

۳-۶. تولید و عرضه محصولات علمی

اگرچه خودباوری و پذیرش اصل (دیدگاه بومی) ارزشی بزرگ به شمار می‌رود، اما این ارزش جنبه عملیاتی پیدا نمی‌نماید، مگر آنکه در قالب‌های مختلف (که در حوزه علمی به آنها نیاز است) تولید و عرضه شود

۲۸ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

لذا کتاب‌های علمی، متنون آموزشی، نشریات علمی، و ... لازم است مورد توجه قرار گیرد و دانش بومی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل عرضه شود. این اقدام (حداقل) باید همزمان با تاسیس رشته‌ها باشد. البته صورت بهتر و کارآمد‌تر آن، این است که مقدم بر طراحی رشته‌ها و گرایش‌ها گردد.

۳-۷. توجه به «ادب قدرت»

توصیه‌های مربوط به اصلاح نظام اجرایی در حوزه آموزشی نیز معادل‌هایی دارد. بدین معنا که شخصیت علمی نیز باید در مقام پرورش و یا تولید نظریه و عرضه آن از مهارت‌های لازم برای برقراری تعامل با دستگاه اجرایی بخوردار باشد. از این موضوع به «ادب قدرت» یاد می‌شود که در نهایت تعامل با آن را به دانش پژوهان می‌دهد. در اینصورت یافته‌های علمی به شکل موثر می‌تواند در حوزه اجرایی مطرح شوند.

۳-۸. ارتقاء استانداردهای علمی

در نهایت رشته و گرایش‌های تعریف شده در این زمینه، باید متناسب با جهان معاصر اصلاح و ارتقاء یابد و در این راستا دانشجویان با ویژگی‌های خاص، و اساتید با توانمندی‌های معین در این حوزه فعالیت نمایند. تنها در این صورت است که رشته علمی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌تواند خود را بر ملاحظات اجرایی تحمیل نماید. با پرورش دانشجویان متوسط و ضعیف، بطور طبیعی نمی‌توان موانع اجرایی پیش روی روابط بین‌الملل را برداشت.

ج. بایسته‌ها در بُعد مبادی

۳-۹. بازنگری در رشته‌ها و گرایش‌ها

با عنایت به مبادی سه گانه رشته، مشخص می‌شود که گرایش‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی موجود باید بازنگری شده و متناسب با اهداف، منابع، علائق جمهوری اسلامی ایران و فضای‌نوین بین‌المللی بازسازی شود. برخی از رشته‌های مربوط به مطالعات منطقه‌ای در این بازنگری اولویت می‌یابند؛ چنان که طی سه سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم.

۱۰-۳. بازنگری در عناوین و سرفصل‌ها

توجه به مکتب اسلام، فرهنگ ایرانی و جهان متحول معاصر، به معنای آن است که عناوین درسی و منابع پیشنهادی از جامعیت لازم برخوردار نیستند و لذا ضروری است که دروس جدید، متون «به روز» و رویکردهای نوینی عرضه گردد. سرفصل‌های جاری جوابگوی نظام جمهوری اسلامی در عرصه متحول نظام بین‌الملل و فضای جهانی اطلاعات نمی‌باشد و نتیجه بررسی‌های انتقادی در سایر رشته‌ها علمی نیز مولید وجود چنین ضرورتی بصورت عام در حوزه علوم انسانی می‌باشد(نک. اجلالی ۸۶).

جمع‌بندی

تحلیل «رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» به عنوان یک موضوع دانشگاهی در گستره جهانی، حکایت از ظرفیت‌های بالقوه بالای این رشته در تبدیل شدن به یک حوزه فعالیت علمی با تاثیرگذاری و جذابیت منحصر بفرد دارد. به عبارت دیگر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل رشته‌ای زنده (از حیث علمی) کاربردی (از حیث اجرایی) ارزیابی می‌شود. این در حالی می‌باشد که استقرار جمهوری اسلامی در ایران، به تاسیس یک رشته سیاست

۳۰ □ قدرت نرم در سیاست خارجی

خارجی و روابط بین‌الملل بسیار قوی و پویا نیز نیازمند است. چرا که انقلاب اسلامی، ایده‌ها، اصول، رفتارها و الگوهایی را تولید نمود که عرضه مناسب آنها به جامعه بین‌المللی، بیش از هر رشته دیگری به «سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» نیازمند است. آنچه در این مقدمه آمد، بیان محورهای اصلی این تحول است که امید می‌رود بتواند به مثابه یک طرح نامه کلان در مقام بازنگری رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به کار گرفته شود.

خلاصه کلام اگر چه محورهای انتقادی مؤلف در اثر حاضر در خور توجه می‌نماید و ملاحظات مربوط به فضای جهانی اطلاعات از ضرورت بازنگری در دانش سیاست خارجی و روابط بین‌الملل حکایت دارد؛ اما باید توجه داشت که سطح و عمق تغییرات بسیار گسترده‌تر از آنچه آمده، می‌باشد و وجوده محتوایی و روشنی آن را نیز شامل می‌شود که در مقدمه به کلیات آن از منظری اسلامی - ایرانی اشاره رفت.

منابع و مأخذ

- امام علی علیہ السلام (۱۳۷۱) **نهج البلاغه**. ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش و انقلاب اسلامی (چاپ سوم).
- آریایی‌نیا، مسعود (۱۳۸۸) **درآمدی بر علوم انسانی انتقادی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اجلالی، پرویز (۱۳۸۶) **بازسازی و توسعه علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) - الف) «**زبان فرایندنولوژیک اسلام در عرصه بین‌المللی**»، در: مجموعه مقالات همایش قرآن و روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) - ب) «**درک قرآنی از روابط بین‌الملل**»، در: مهدی ذاکریان (به اهتمام)، **اخلاق و روابط بین‌الملل**. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جزمه، نسرین (۱۳۸۶) **کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاهی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جمعی از نویسنده‌گان (۱۳۵۹) **علم و ایمان**. تهران: مسجد الغدیر.
- خواجه‌سروری، غلامرضا (۱۳۸۹) **سی گفتار**. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ذاکریان، مهدی - به اهتمام - (۱۳۸۹) **اخلاق و روابط بین‌الملل**. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ریوز، جولی (۱۳۸۷) **فرهنگ و روابط بین‌الملل**. محسن بیات، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سمتی، مهدی (۱۳۸۸) **مرزهای نو در ارتباطات بین‌الملل**. حسن بشیر و دیگران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- سید احمد، رفت و عمر و الشبوکی (۱۳۸۷) آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر. میثم شیروانی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

- سیمیر، رضا و ارسلان قربانی (۱۳۸۹) **اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل**. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای**. احمد عایقیلان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کوله، نیکول ژرژ (۱۳۸۸) **آموزش دانشگاهی و مطالعات میان‌رشته‌ای**. محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گوییگان، جیم مک (۱۳۸۸) **بازاندیشی در سیاست فرهنگی**. نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- گیلبوآ، اتیان (۱۳۸۸) **ارتباطات جهانی و سیاست خارجی**. حسام الدین آشنا و محمد صادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) **آشنایی با علوم اسلامی**. تهران: صدرا.
- مک دانلد، دیوید (۱۳۸۹) **اخلاق و سیاست خارجی**. مهدی ذاکریان، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مصفا، نسرین (۱۳۸۵) **سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

پیشگفتار مترجم

قدرت از جهاتی مانند آب و هوا است. همه به آن مربوط هستند و در مورد آن صحبت می‌کنند، اما فقط عده کمی آن را می‌فهمند. همان طور که کشاورزان و هواشناسان سعی در پیش بینی وضع هوا دارند، رهبران و تحلیل‌گران سیاسی نیز سعی دارند تا تغییرات در روابط قدرت را توصیف و پیش بینی کنند. هم چنین قدرت شبیه عشق و دوست داشتن نیز می‌باشد، تجربه کردن آن ساده‌تر از تعریف یا اندازه‌گیری آن است. اما کمتر کسی را می‌توان یافت که واقعیت آن را منکر شود. (Nye, 2004: 1)

دیپلماسی سیاسی که با هدف جهت‌دهی افکار ملت‌های بیگانه صورت می‌گیرد مفهومی تازه نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که از دیرباز وجود داشته است: استفاده از تصاویر، شعارهای تبلیغاتی و فعالیت‌های دیگری که ما اکنون آن را تحت عنوان دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) می‌شناسیم تقریباً به قدمت خود دیپلماسی است. حتی در دوران باستان، پادشاهانی که مواطن و جهه خود در کشورهای دیگر بودند هیچ‌گاه ظرفیت‌های قابل

استفاده و دامهای حاصل از افکار عمومی مردم سایر کشورها را نادیده نمی‌گرفتند. سوابق تاریخی این امر به ظهور تمدن‌های باستانی یونان و روم باز می‌گردد. روم باستان و ایتالیای دوره رنسانس با مفهوم فعالیت‌های دیپلماتیک با هدف جهت‌دهی افکار عمومی مردم سایر ملل آشنا بوده‌اند. حتی پیش از اختراع رسانه‌های چاپی در قرن پانزدهم نیز مقیاس ارتباطات رسمی با مردم سایر کشورها گستردۀ شده بود. پیش از اواخر قرون وسطی برخی حکومت‌ها خبرنامه‌هایی را به صورت نظام یافته در درون مرزهای خود انتشار می‌دادند، اما اختراع ماشین چاپ به وسیله گوتنبرگ به این حرکت شتاب بخشید. مثال بارز اثرگذاری این اختراق بزرگ بر دیپلماسی عمومی، کاردینال ریچلیو (Cardinal Richelieu) است که در اوایل قرن هفدهم در فرانسه این موضوع را مورد توجه قرار داده بود. در میان حکومت‌های باستانی، حکومت فرانسه نسبت به سایر حکومت‌ها حضور پرنگتری در عرصه دیپلماسی عمومی داشت. فرانسوی‌ها تلاش بسیاری را برای حفظ وجهه و اعتبار حکومت خود در میان سایر ملل نیرو می‌داشتند و این کار را یکی از اصول لازم برای حفظ قدرت خود مبذول می‌دانستند. این کار در واقع منبع قدرتی برای حکومت فرانسه بود. (Kunczik,2003: 399-405) خلق هویت و ایجاد تصاویر مثبت در اذهان عمومی که در گفتگمان امروزی مطرح است در زمان لویی چهاردهم (Louis XIV) به اوج خود رسیده بود.

(see: Olins,2003)

از نمونه‌های ناخوشایندتر و کم‌لطافت‌تر دیپلماسی عمومی در قرن بیستم و ایجاد هویت و ملت‌سازی (nation-building) را می‌توان در فاشیزم و کمونیزم جست‌وجو کرد. این مکاتب محرک‌های مؤثری برای گسترش ارتباطات با ملت‌های بیگانه و ایجاد قدرت دموکراتیک بودند. نبردهایی که

به وسیله رهبران سیاسی در رابطه با «تصاحب قلب‌ها و اذهان» در خارج از مرزها صورت می‌گیرد به هیچ وجه اختراع تازه‌ای نیست. جنگ جهانی اول نخستین عرصه بروز تصویرسازی حکومت‌ها در کشورهای دیگر بود. بعد از این جنگ، پیدایش مطالعات آکادمیک در مورد سیاست بین‌الملل به دلیل اهمیت موضوعی که اکنون قدرت نرم (Nye 1990; Nye and : See) خواننده می‌شود اجتناب‌ناپذیر بود. (Soft Power) (Owens, 1996; Nye, 2004).

در برخه زمانی ما بین دو جنگ اول و دوم جهانی، ای.اچ.کار (E.H.Carr) نوشت: «قدرت سلط بر افکار به هیچ وجه کم‌اهمیت‌تر از قدرت نظامی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف سیاسی نیست و همواره ارتباط تنگاتنگی با آنها داشته است.» (Carr, 1983 and 141.). به عبارت دیگر، و برای تطبیق با ادبیات رایج این موضوع که اخیراً به وسیله جوزف اس.نای (Jiseph S.Nye) ارائه شد، «قدرت سخت» (hard power) و قدرت نرم به شدت به هم وابسته هستند. امروزه اظهاراتی از قبیل اینکه «اهمیت قدرت نرم در عصر اطلاعات جهانی در حال افزایش است»؛ و اینکه «در محیطی که وابستگی ملت‌ها به یکدیگر ابعاد بسیار پیچیده‌ای پیدا کرده و فردان قدرت نرم می‌توان به ضرر قدرت سخت باشد» به صورت کلیشه درآمده است. اما بسیاری از سؤالات کاربردی در مورد قدرت جذب در مسائل بین‌المللی هنوز بی‌جواب مانده است. صاحب‌نظران و مفسران سیاسی و دیپلمات‌ها در بسیاری از کشورها به شدت درگیر مفهوم قدرت نرم شده‌اند و وزارت‌های مربوط به مسائل بین‌الملل در حکومت‌های مختلف در حال پرداختن به چگونگی استفاده اثربخش از این مفهوم و اصول مربوط به آن هستند. همان‌طور که نای ادعا می‌کند، کشورهایی که شانس بیشتری برای کسب